

## شرایط گذشت شاکی در قوانین و مقررات جزایی ایران

فتح الله کرمی<sup>۱</sup> دکتر مasha'ah کریمی<sup>۲</sup>

۱. گروه حقوق، واحد دورود، دانشگاه آزاد اسلامی، دورود، ایران

fatholaah.karami@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، ایران

karimi\_b2003@yahoo.com

### چکیده

در قوانین و مقررات، برای گذشت و اعلام آن از سوی متضرر از جرم (شاکی زیان دیده)، تشریفات خاصی که بر طبق آن شاکی مراتب گذشت خویش را اعلام نماید، پیش بینی نشده است و متضرر از جرم می تواند به هر ترتیبی که امکان داشته باشد، انصراف خود را از تعقیب مجرم ابراز نماید. معمولاً این اعلام گذشت و انصراف با بیان جملاتی از قبیل: گذشت می کنم، از شکایت خود صرف نظر می نمایم و آن را پس گرفتم و... بیان می شود که عرفانشان دهنده یا نصراف متضرر، از تعقیب کیفری و حاکی از حصول سازش و مصالحه بین جانی و مجتبی علیه یا متضرر از جرم و طرف مقابل او است.

**واژه های کلیدی:** جرایم قابل گذشت، جرایم غیرقابل گذشت، شاکی، حق الناس.

**۱- مقدمه**

یکی از نهادهای بسیار تاثیر گذار در فرآیند دادرسی گذشت شاکی است؛ ارتکاب برخی جرایم در جامعه، آنچنان سبب بر هم خوردن نظم و امنیت جامعه می‌شود که عامل مردم‌آزار هیئت حاکمه انتظار دارند بدون تقاضای افراد، مرتکبین را تعقیب کنند. این جرایم، غیرقابل گذشت ندارند و شاکی خصوصی (متضرر مستقیم از جرم که شکایت کیفری کرده است)، علی الاصول در فرایند تعقیب مرتکبین آنها، نقشی ایفا نمی‌کند. اما قانون گذار بنا به مصالحی همچون گسترش گذشت در جامعه و کاهش اثرات سوء مجازات بر مجرم، به خواست بزه دیده در این جرایم، توجه نموده است. با مطالعه سیاست حاکم بر قوانین داخلی، درمی‌یابیم، علیرغم نقش گسترده شاکی خصوصی که برخی از آنها سبب تضییع حقوق متهم می‌شود، اثر بخشی به اراده او در مواردی، مشروط به موافقت دادگاه می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت شاکی خصوصی در دادرسی‌های جزایی جرایم غیر قابل گذشت، نقش فرعی دارد. و تنها در جرایم قابل گذشت نقش مهم و تاثیر گذاری برای آن منتصور است.

**۲- گذشت شفاهی**

این نوع از گذشت، ممکن است به صورت بیان شفاهی و ضمن حضور متضرر از جرم در محکمه یا در مراحل اولیهٔ تحقیق باشد. در اینصورت، باید اظهارات وی در صورت جلسه قید و به امضای شاکی رسانده شود. چنانچه وی، بی‌سواد باشد، ذیل اظهارات خود را انگشت می‌زند (شاکی، ۱۳۹۲، ص ۷۸).

**۳- گذشت کتبی**

گذشت، ممکن است به صورت کتبی اعلام گردد. در این صورت، مقام رسیدگی کننده به جرم باید در صحت انتساب آن به شاکی زیان دیده از جرم، دقت نظر به عمل آورد (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۶۸). اگر سازش و صلح نامه در یکی از دفاتر اسناد رسمی تنظیم گردیده باشد و یا امضای آن به وسیله‌ی مراجع رسمی و صالحت صدیق شده باشد، معتبر بوده و دادرس در انتساب آن به شاکی تردید نخواهد کرد؛ اماً چنانچه اعلام گذشتیش اکی به صورت مستندعادی بوده باشد، مقام رسیدگی کننده تا احراز صحت و انتساب آن به وی، صرفاً به عنوان گذشتی عادی با آن برخورد می‌نماید.

**۴- اهلیت گذشت کننده**

أهل در لغت به معنای شایسته است؛ اهلیت صفت کسی است که دارای جنون، سفه، صغیر، ورشکستگی و سایر موانع محرومیت از حقوق (کلاً یا بعضًا) نباشد.

اعلام گذشت و استرداد شکایت، استیفای حق است. کسی که از این حق استفاده می کند، باید اهليت آن را داشته باشد بنابراین، صغار، مجانین و اشخاص غیر رسید نمی توانند شخصاً اعلام گذشت نمایند؛ این امر بر عهده اولیای قانونی آنان محل است.» (صالح ولیدی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵).

طبق تبصره يك ماده (۳۶) قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱، گذشت قيم موقت، منوط به کسب اجازه از دادستان است. ظاهراً منظور نويسندگان قانون مزبور از اصلاح قيم موقت، قيم است که به استناد قانون راجع به تعين قيم اتفاقی مصوب ۱۳۶۲/۲/۲۶ در شريطي خاص، از طرف دادسا به طور موقت تعين می شود. برابر قانون مذکور: در مواردي که تعقيب مجرم موقوف به شکایت متضرر از جرم است، اگر وي صغیر باشد (ولي یا قيم نداشته باشد)، مدعى العموم (دادگاه) مکلف است با موافقت قانون برای صغیر، قيم معين کند و هر گاه تعين قيم موجب فوت وقت يا توجه ضرر و زيان نسبت به صغير باشد، تا تعين قيم، مدعى العموم موقتاً کسی را به عنوان قيم اتفاقی تعين می نماید؛ و در موقع ضرورت قبل از تعين قيم، اقدامات فوري و ضروري را که برای حفظ آثار و دلائل جرم و تعقيب آن لازم است دستور می دهد؛ولي ادامه تعقيب منوط است به اينکه قيم، مصلحت صغير را در تعقيب امر تشخيص داده و شکایت نماید. در مواردي که صغيرولي یا قيم دارد،ولي یا قيم او شخصاً مرتكب جرم شده و يا مداخله در جرم داشته و موافق قانون مدنی قيم اتفاقی هنوز تعين نشده است نيز به همين ترتيب عمل می شود و اگر قيم اتفاقی تعين شده باشد، وظيفه اقدام بر عهده اي است.

حق گذشت، از جمله حقوقی است که به ورنه منتقل می شود. تبصره (۲۳) قانون مجازات اسلامی در اینباره می گويد: حق گذشت، به وارث قانوني متضرر از جرم منتقل و در صورت گذشت همه وراث، تعقيب، رسيدگي و اجرای مجازات موقوف مي گردد. مطابق تبصره مذکور، در صورتی که فقط بعضی از وراث گذشت نمایند، رسيدگي و اجرای مجازات موقوف نمی شود. اين تبصره، مطلق است و شامل همه جرائم اسلامي: «هر گاه متضررين از جرم، متعدد باشند، تعقيب جزاي با شکایت هر يك از آنان آغاز می شود؛ اما موقوفي تعقيب، رسيدگي و مجازات، به گذشت تمام کسانی که شکایت كرده اند، موکول است. شایان ذكر است که حکم اين ماده، مطلق است و شامل همه جرائم قابل گذشت مي گردد. در قانون مجازات اسلامي عمومي (سابق) برای سقوط دعوي عمومي به لحاظ گذشت شاكي زيان دide شرط ديگري پيش ييني شده بود. بدین گونه که در ماده (۲۷۷) قانون مزبور مقرر شده بود: «در مورد جرم هاي مذكور در مواردي که ذيلاً معين است، تعقيب جزاي شروع نمی شود؛ مگر به تقاضاي مدعى خصوصي و اگر مشاراليه شکایت خود را مسترد نماید، تعقيب جزاي نيز موقوف خواهد شد؛ مگر اينکه متهم، سابقاً محکوميت جنحه يا جنائي داشته باشد...». البته شرط فوق که، عدم سابقه محکوميت به جنحه و جنایت بوده، در عمل متروک بود و به آن توجهي نمی شده است (شاميياتي، ۱۳۹۵، ص ۳۶).

در تبصره ۲ ماده ۸ قانون آینین دادرسی کیفری (سابق) نیز آمده بود: «... مگر اینکه متهم سابقه محکومیت موثر کیفری به علت ارتکاب جرم مشابه آن داشته باشد.». اما در قانون مجازات اسلامی ( فعلی ) چنین شرطی پیش بینی نشده است.

به نظر می رسد که شرط مذکور ( عدم سابقه محکومیت کیفری متهم ) در جواز گذشت شاکی ، امری مطلوب و به نفع جامعه است؛ مهم ترین فایده آن، این است که مانع تکرار جرم در جامعه می شود؛ زیرا مجرم می داند که چون سابقه دارد، عفو و گذشت شامل او نخواهد شد و مجازات می شود. بدیهی است که عدم وجود این شرط، باعث جرأت مرتكبین در جرم می شود. گذشت، باید بعد از وقوع جرم باشد؛ یکی دیگر از شرایط گذشت، این است که بایستی بعد از وقوع جرم باشد. مطابق این اصل کلی، گذشت قبل از وقوع جرم معتبر نیست.

در اینجا، لازم است که مختصراً درباره اصطلاح «رضایت مجني عليه» و «گذشت» توضیح داده شود. «رضایت مجني عليه» یعنی اذن و موافقت وی بر اینکه جرمی علیه او صورت گیرد. «قوایین جزاء از قوانین آمده است و مربوط به نظم عمومی است و اراده افراد قادر نیست خللی در اجرای آن به وجود آورد. بنابراین، رضایت مجني عليه در جرایمی که به حیات، سلامت و تمامیت جسمانی شخص مانند قتل، ضرب و جرح صدمه می زند، بی اثر است.» اما در بعضی از موارد، ممکن است عدم رضایت مجني عليه یکی از شرایط ارتکاب جرم باشد. به عنوان مثال، ورود به منزل غیر، بدون اجازه مالک جرم است؛ ولی هر گاه صاحبخانه اجازه بدهد، چنین عملی فاقد وصف مجرمانه است؛ یعنی یکی از شرایط تحقق جرم، عدم رضایت صاحبخانه است. در موارد مشابه فوق، که رضایت مجни عليه یکی از شرایط تحقق جرم را زایل می نماید، رضایت باید پیش از ارتکاب جرم یا مقارن با آن باشد. رضایت مجني عليه باید پیش از ارتکاب جرم یا مقارن آن ابراز شود. رضایت مجني عليه پس از ارتکاب جرم از مرتكب رفع مسؤولیت جزایی نمی کند و تنها جنبه گذشت دارد.

با ملاحظه مطالب ذکر شده در می یابیم که، اصطلاح «رضایت مجني عليه» مربوط به قبل از وقوع جرم است و اصطلاح «گذشت شاکی» مربوط به بعد از وقوع جرم است. نکته شایان توجه درباره ای رضایت مجني علیه این است که رضایت مجني علیه اساساً تأثیری در ماهیت عمل مجرمانه ندارد؛ زیرا می دانیم که هر جرم دو جنبه دارد: یکی جنبه خصوصی و دیگری جنبه عمومی؛ رضایت مجني علیه باعث زوال جنبه خصوصی می شود؛ ولی جنبه عمومی جرم، به حال خود باقی می ماند و جامعه به خاطر صدمه و لطمہ ای که به خاطر وقوع جرم از ناجیه مرتكبین جرم می بیند، به منظور دفاع از حقوق اجتماعی، مرتكبین را مجازات می کند (آفایی، ۱۳۹۳، ص ۴۹).

ناگفته نماند که اعلام رضایت و گذشت از سوی شاکی باید به طور آزاد تحقق یابد؛ یعنی باید تحت اجار و اکراه و یا فشارهای روانی و یا فریب یا خشونت نسبت به مجني علیه (شاکی)، وی وادار به اعلام گذشت و عفو گردد. افزون بر این، گذشت کننده باید به سن قانونی رسیده باشد تا از لحاظ روانی بتواند نتایج

رضایت خود را ارزیابی و در ک کند. بنابراین، اعلام گذشت از سوی صغیر و محجور، اثری در سقوط دعوا و یا عدم تعقیب آن نخواهد داشت. منجز بودن گذشت: گذشت باید صریح و روشن بوده و مشروط به شرط و یا مقید به قید نباشد. به عبارت دیگر، «منجز بودن گذشت»، یعنی اینکه منوط به وقوع امر دیگری نباشد؛ زیرا با استناد به گذشت مقید یا مشروط، نمی توان قرار موقوفی تعقیب صادر کرد. چنانکه ماده (۲۳) قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق ترتیب اثر داده نخواهد شد...».

بنابراین، هر گاه متضرر از جرم، گذشت خود را مشروط به امری نماید، به عنوان مثال بگویید: «به شرطی گذشت می نمایم که...» این گذشت، معتبر نخواهد بود یا اینکه گذشت خود را معلق بر تحقق امری نماید؛ به عنوان مثال بگویید: هر گاه متهم مبلغ معینی وجه پرداخت نماید گذشت خواهم کرد» این گذشت معتبر نبوده و قابل ترتیب اثر نخواهد بود، هر چند وجه مورد نظر بعداً پرداخت شود.

در حقوق جزایی، اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرائم است. مطابق ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی جدید، چنانچه قابل گذشت بودن جرمی، در قانون تصریح نشده باشد، آن جرم غیرقابل گذشت محسوب می شود، مگر اینکه از حق الناس باشد و شرعاً قابل گذشت باشد (مانند جنبه حق الناسی قتل عمدى یا قصاص نفس). آثار حقوقی گذشت، در جرائم قابل گذشت یا غیرقابل گذشت یا جرمی که با وجود جنبه حق الناسی، جنبه عمومی نیز دارد، متفاوت است. برابر ماده ۱۰۰ قانون مذکور و تبصره ۲ ذیل آن و دیگر مقررات قانونی، گذشت شاکی یا ذی نفع در جرائم تعزیری قابل گذشت و جرائم حق الناس، حسب مورد، موجب (صدر قرار) موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط دعوا (مانند مطالبه دیه یا قصاص) می شود. ولی در جرائم غیرقابل گذشت، گذشت شاکی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آنها و اجرای مجازات تاثیری ندارد و صرفاً ممکن است، در جرائم تعزیری از موجبات تخفیف مجازات محسوب شود. ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی سابق، ضمن تصریح به لزوم منجز بودن گذشت، مقرر کرده بود، به گذشت مشروط و معلق ترتیب اثر داده نخواهد شد، اما ماده ۱۰۱ از قانون جدید، درباره شرایط گذشت، مقرر می دارد: «گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط یا معلق در صورتی ترتیب اثر داده می شود که آن شرط یا معلق عليه تحقق یافه باشد (ناصر، ۱۳۸۷)، ص (۵۱)».

همچنین عدول از گذشت مسموع نیست. بنابراین، صور و آثار گذشت، می تواند شامل یکی از موارد زیر و اثر مترتبه بر آن باشد:

- ۱- گذشت منجز، به معنای گذشت قطعی و بدون شرط است. در جرائم قابل گذشت یا حق الناس محض، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، حسب مورد، موجب موقوفی تعقیب یا اجرای مجازات یا سقوط دیه یا قصاص می شود.
- ۲- گذشت مشروط، گذشتی که تاثیر آن، موکول به تحقق شرط است. مانند اینکه در قصاص نفس اولیاء دم، گذشت از قصاص را منوط به پرداخت دیه مقرر یا بیشتر یا کمتر از آن یا تسليم مالی در وقت معین کنند

که در این صورت با تحقق شرط، گذشت موثر واقع و قصاص می‌شود و نیاز به اعلام گذشت مجدد نیست.

۳- گذشت معلق، برخلاف گذشت منجز، اثرش موكول به تحقق امر دیگری است مانند موردی که پسر معتادی عدما پدرش را کشته باشد و اولیاءدم بگویند گذشت می‌کیم هر گاه ترک اک انتیاد بکنی یا برای همیشه ترک منزل بکنی. در این حالت لازم است درخواست (معلق عليه) مشروع باشد و اگر شرط یا موضوع معلق عليه درخواست انجام امر غیرمشروع یا غیرقانونی باشد مانند اینکه بگویند نباید ازدواج بکنی، قانونا پذیرفته نیست.

قانونگذار تفاوت گذشت معلق از مشروط را مشخص نکرده، با این حال، با قیاس شرط و تعلیق در عقد، می‌توان گفت «تعليق موکول و وابسته کردن عقد به امری است که ظاهرا ماهیت عقد معلق پیش از تتحقق معلق عليه، به وجود نمی‌آید، اما درشرط، عقد در زمان انشا پدید می‌آید و شرط یک امر فرعی متصل به عقد است.» بنابراین، گذشت معلق، بعد از تتحقق معلق عليه، واقع و قطعی می‌شود که واجد اثر حقوقی است.

در حالی که در گذشت مشروط، رضایت در همان ابتدا، اعلام شده و تاثیر آن موكول به تتحقق شرط، بعد از آن و در مهلت مقرر است و در صورت عدم تتحقق شرط، مجازات اجرا خواهد شد که به هر حال این موضوع یک بحث ظریف حقوقی و در فقه و حقوق مورد اختلاف است. به نظر می‌رسد پیش‌بینی مقررات گذشت مشروط یا معلق در قانون جدید، موجب تشویق بیشتر شاکیان به اعلام رضایت در جرائم قابل گذشت و بهویژه قصاص خواهد بود. لازم به ذکر است در مواد ۳۶۱ تا ۳۶۳ قانون یادشده نیز، در باره گذشت مشروط در قصاص، خواه پیش از صدور حکم، خواه پس از آن، مقررات مشابهی پیش‌بینی شده است (آریانپور کاشانی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶).

گذشت مشروط از محکومان به قصاص که گاه اخبار مربوط به آن را می‌خوانیم، یکی از مباحث مهم و دقیق حقوقی است. مطابق ماده ۳۶۱ قانون مجازات اسلامی «اگر مجنی عليه یا ولی دم گذشت و اسقاط حق قصاص را مشروط به پرداخت وجه المصالحة یا امر دیگری کند، حق قصاص تا حصول شرط، برای او باقی است.» هر چند اطلاق عبارت «امر دیگر»، ممکن است موجب این برداشت شود که هیچ محدودیت قانونی در ماهیت و مصادق «امر دیگر» نیست اما واقعیت این است که برابر ماده ۱۰ قانون مدنی و مواد دیگر از سایر مقررات موضوعه و منابع معتبر فقهی، این امر یا توافق نمی‌تواند مغایر با قانون یا شرع باشد. بنابراین باید متون قانونی را بدون توجه به مقررات موضوعه دیگر، مناط اعتبار یا ملاک عمل قرار داد. ماده مرقوم صراحة دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، درصورتی که مغایر قانون نباشد، نافذ است». سوای مدت‌داربودن شرط، مستفاد از ماده ۲۳۲ قانون مدنی، شرط باید دارای نفع عقلایی، مشروع و انجام آن، مقدور باشد. در غیر این صورت، شرط باطل است.

## ۵- نتیجه‌گیری

شاکی ممکن است از پیگیری شکایت خودش منصرف شود یا به واسطه دریافت ضرر و زیان یا هر دلیل دیگری، رضایت خودش را از متهم یا مشتکی عنه اعلام کند؛ در برخی جرایم به صرف گذشت شاکی، تعقیب متوقف می‌شود اما در برخی جرایم، گذشت شاکی، تأثیری در پیگیری شکایت نداشته و تنها شاید باعث تخفیف در مجازات متهم شود. مجرایم قابل گذشت، جرایمی هستند که تنها با شکایت شاکی خصوصی آغاز شده و با رضایت شاکی نیز متوقف می‌شود اما مجرایم غیرقابل گذشت، ممکن است با شکایت شاکی خصوصی یا تعقیب مدعی العموم آغاز شود اما گذشت شاکی خصوصی تأثیری در روند ادامه رسیدگی به جرم نداشته و تعقیب متهم تا مجازات وی ادامه پیدا خواهد کرد.

در هر صورت از جمله شرایط گذشت می‌توان به لزوم درج آن در پرونده حتی در صورت شفاهی بودن اشاره نمود. از شرایط دیگر گذشت شاکی لزوم اهلیت گذشت کننده است. همچنین مشاهده شد که گذشت در قوانین جدید می‌تواند به صورت مشروط نیز باشد.

### فهرست منابع و مأخذ

- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات نگاه نو.
- آریانپور کاشانی، منوچهر، ۱۳۸۹، فرهنگ پیشرو، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم.
- آقایی، سارا، ۱۳۹۳ ، جزای اختصاصی، تهران، انتشارات دوراندیشان .
- ساکی، محمدرضا، ۱۳۹۲، حقوق جزای اختصاصی، تهران، چاپ جنگل.
- شامیاتی، هوشنگ، ۱۳۹۵، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات میزان.
- صالح ولیدی، محمد، ۱۳۸۸، حقوق جزای اختصاصی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ ششم.
- ناصر، محسن، ۱۳۸۷، بایسته های حقوق جزا، تهران، انتشارات سمت.